

بهترین زمان مُردن

الیف شافاک

محمد شرفی کرمان

سرشناسه	:	ش. ف.، الی. ف.، ۱۹۷۱ - م.
عنوان و نام پدیدآور	:	Shafak, Elif
مشخصات نشر	:	بهترین زمان مردن/ الیف شافاک : ترجمه محمد شریفی کرجان.
مشخصات ظاهری	:	تهران: انگیزه مهر، ۱۳۹۶.
شابک	:	۴۳۲ ص.؛ ۵/۱۴×۵/۲۱ س.م.
وضعیت فهرست:	:	۹۷۸-۶۰۰-۸۳۲۵-۲۹-۱
نویسی	:	فیبا
یادداشت	:	عنوان اصلی: Araf, ۲۰۰۶
موضوع	:	داستان‌های ترکی -- ترکیه -- قرن ۲۰م
موضوع	:	Turkish fiction -- Turkey -- 20th century
شناسه افزوده	:	شریفی کرجان، محمد، ۱۳۶۸ - مترجم
رده بندی کنگره	:	۱۳۹۶ ش.۷/۲۲۸PL
رده بندی دیویی	:	۲۵۳۳/۸۹۴
شماره کتابشناسی:	:	۴۶۱۷۴۹۹
ملی	:	

بهترین زمان مُردن

نویسنده: الیف شافاک	مترجم: محمد شریفی کرجان
ناشر: انگیزه مهر	ناشر همکار: ماهابه
نوبت چاپ: اول ۱۳۹۷	شمارگان: ۵۰۰ نسخه
قیمت: ۳۲۰۰۰ تومان	شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۳۲۵-۲۹-۱
ناظر فنی چاپ: طاهره برومند جاوید	

Instagram:mahabepub

تهران، خیابان جمهوری، خیابان فخررازی، کوچه مهر، پلاک ۳

تلفن: ۰۹۱۲۴۴۹۳۵۴۸ - ۶۶۴۱۱۰۵

تنها راه فرار از مرگ و رسیدن به نامیرایی تغییر دادن اسم و مکان است. خود را ترک کردن؛ مردن قبل از آن که بمیری؛

الیف شافاک

مقدمه مترجم:

"بهترین زمان مردن" پنجمین اثر الیف شافاک، رُمان نویس معروف زن ترکیه است، این اثر که با یک حکایت از "مثنوی معنوی" آغاز می شود در واقع داستان پرنده های فلجی ست که از گونه پرندگان به حساب نیامده و تنها به دلیل فلج بودنشان مجبور به همراهی با یکدیگر هستند!...

"بهترین زمان مردن" داستان یک گروه کوچک از انسان ها است که در شهر بوستون ایالات متحده آمریکا با یکدیگر به شکل های مختلفی برخورد کرده و خواه یا ناخواه علی رغم تمام تفاوت ها، ناهمگونی ها و حتی تناقض هایی که دارند به زندگی در کنار یکدیگر می پردازند. نویسنده در این داستان به جای تمرکز کردن بر روی یک قهرمان داستان از یک تفکر "ضد قهرمان" حمایت می کند. عمر؛ دانشجوی ترکیه ای که برای ادامه تحصیل در مقطع دکتری از استانبول به بوستون آمده است؛ زندگی در بوستون آمریکا را کنار دو هم خانه خود آغاز می کند. با یک اسپانیول به نام پیو و یک مراکشی به نام عابد؛ در کنار سایر شخصیت های داستان به نام های گالی، آگرا و دبرا آلن نامپسون که در روند داستان با یکدیگر

برخورد خواهند کرد. پرنده‌هایی که هیچ کدام از یک گونه نبوده و همواره به دلیل فلج بودنشان با هم پرواز می‌کنند!

گالی شخصیتی است که در یک خانواده با دو دین گوناگون به دنیا آمده و در طول زندگی خود همواره زندگی را بر مبنای مرگ بنا نهاده و بارها در تلاش برای خودکشی برآمده است؛ جاذبه مرگ بیش از هر چیزی او را در این جهان فانی به سوی خود جذب کرده و حتی اولین خاطره‌ای که از دوران کودکی در ذهن دارد اولین تلاشش برای خودکشی است! با هدف نیست شدن و ترک کردن این جهان بارها این اقدام را تکرار می‌کند و در نهایت در جایی که احساس می‌کرد بهترین زمان و بهترین مکان مردن باشد برای آخرین بار به سوی هدف خود می‌شتابد...

در سراسر این رمان یک دیوانگی حاکم است، الیف شافاک در حالی که میان آونگی از دیوانگی و معقول بودن سیر می‌کند با این آونگ حقیقت را می‌شکافت؛ مشکلات موجود پیرامون مسائلی همچون اسامی، دین، زبان، زمان، تنهایی و خارجی بودن را در قالب شخصیت‌های داستان می‌ریزد و به عنوان یک داستانی سلیس، روان و جذاب به مخاطب ارائه می‌دهد.

فلسفه‌ای که در رمان "بهترین زمان مردن" به صورت مستمر و مداوم از آن استفاده شده است فلسفه منفی «via negative» هست. فلسفه‌ای که در قرون وسطی بیشتر از سوی عالمان دینی از آن استفاده می‌شد و به صورت خلاصه می‌توان آن را وارد شدن به مسئله به جای توضیح دادن آن چیزی که "هست"، توضیح دادن آن چیزی که "نیست"؛ عنوان کرد. در

جای جای رمان "بهترین زمان مردن" می‌توان این فلسفه را مشاهده کرد. انسان‌هایی که در این رمان هستند نه گناهکارند و نه بی‌گناه و منزّه. آن‌ها با کارهایی که می‌کنند شناخته نمی‌شوند بلکه با کارهایی که نمی‌کنند شناخته می‌شوند. از همین رو است که این رمان بر روی ضد قهرمان بنا شده است و خانه هیچ کسی نیست! از یک منظر دیگر، "بهترین زمان مردن" یک سالن انتظار است. در اینجا هیچ اقدام جدی صورت نمی‌گیرد زیرا هیچ ارزش و قضاوتی وجود ندارد! "گذرا بودن" خصلت اصلی "بهترین زمان مردن" است. از همین رو است که الیف شافاک در این اثر خود هنگامی که شخصیت‌های داستان را معرفی می‌کند به جای پرداختن به این که چه کسانی هستند به این مسئله می‌پردازد که چه کسانی نیستند و همین موضوع داستان را همراه با یک رمز آلودگی و اشتیاق فراوان می‌کند.

در آخر باید تشکر ویژه داشته باشم از بانو "ژینوس یزدانی" که در امر ترجمه این اثر برای اولین بار به زبان فارسی کمک بسیار بزرگی برای بنده بودند. با تمام صبوری و تشویق‌های خود مرا در ترجمه و ارائه این رمان خواندنی به جامعه کتابخوان کشور عزیزمان ایران همراهی کرده و در طول ترجمه این اثر کمک حال این بنده حقیر شدند.